آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۱۶۸
یکشنبه
۱۴۰۰•۰۹•۰۷
۲۲ ربیع الثانی ۱۴۴۳/ ۲۸ نوامبر ۲۰۲۱

گزارش

«آرمان ملی» از وضعیت مدیریت اقتصادی کشور گزارش می‌کند:

مجلس ضعیف عقب‌تر از مشکلات سنگین اقتصادی

حداقل نمایندگان باید از خود سوال کنند که تا کی قرار است مردم با وعده‌ها سرگرم باشند؟

آرمان ملی - امید کاجیان: اینک پس از گذشت چندین ماه از استقرار دولت گویی نه تنها بهبودی در مدیریت اقتصادی کشور رخ نداده بلکه اوضاع در برخی موارد بدتر هم شده است تا جایی که محمد باقر قالیباف هم در سخنان چند روز قبل خود اعلام کرده بود که مشکل ما پول و امکانات نیست؛ ضعف مدیریت یک مشکل مهم است. البته از آنجایی که دیگر دولت روحانی حضور ندارد احتمالا نظر وی ضعف مدیریت در دولت سیزدهم است! یکی از موارد قابل توجه دولت سیزدهم وعده‌های رنگارنگ اقتصادی آن بود. از کنترل نرخ تورم، نرخ مسکن، اجاره و... گرفته تا بورس! شاید در ابتدا همه می‌دانستند که عملا دولت توان و برنامه مشخصی حداقل برای کوتاه مدت جهت کاهش نرخ تورم و یا سرکشی‌های مکرر قیمت مسکن و بازار اجاره ندارد اما کمتر کسی ضربات مهلک دولت بر بورس را پیش بینی می‌کرد. حتی بدبین ترین افراد نیز به فکرشان خطور نمی‌کرد که وضعیت بورس نسبت به سال قبل نه تنها بهتر نمی‌شود بلکه قرار است بدتر هم بشود. اوراق فروشی بی‌امان دولت، افزایش پی در پی نرخ بهره بین بانکی، تصمیمات خلق الساعه، قیمت گذاری دستوری و تخلفات شرکت‌های بازارگردان و حقوقی‌های بازار سرمایه بلاهایی هستند که نه تنها در این دولت جلو آنها گرفته نشد بلکه با همان شدت قبل ادامه یافت. این موضوع تا جایی پیش رفت که بهارستان نشین ها ناچار وزیراقتصاد را برای ارائه توضیحاتی به مجلس فرا خواندند و در نهایت از اظهارات وی و هدف قرار دادن دولت قبل برای ناکارآمدی‌های موجود قانع نشدند و به وی تذکر دادند. بعد از این بود که تنها چند روز آن هم با توقف یک هفته‌ای فروش اوراق و دستور به بازارگردان‌ها برای عرضه محدود و یا توقف عرضه، اندکی بازار رنگ سبز به خود دید اما با فراموش شدن ماجرا دوباره روز از نو و روزی از نو! حتی با اینکه در این دولت بارها به نقش حمایتی آنها از بازار اشاره شده بود و قرار بود تا پایان آبان ماه منابع تصویب شده صندوق توسعه ملی به صندوق تثبیت بازار سرمایه تزریق شود اما همچنان خبری از آن نیست و در آخرین اظهارنظر، مدیر روابط عمومی سازمان بورس اعلام کرد: صندوق توسعه ملی دارای برخی از مصوبات ارزی است که به صورت تسهیلات در بخش‌های مختلف تزریق شده و اکنون این منابع در حال بازگشت است؛ بنابراین مقرر شده بود تا پرداختی‌ها به صندوق تثبیت بازار سرمایه از منابع ریالی بازگشتی باشد و ارز جدیدی از صندوق توسعه ملی هزینه نشود؛ بنابراین برخی از این تاخیری‌ها برای واریزی به صندوق تثبیت بازار سرمایه، ناشی از این عامل بوده است. با این توضیح مشخص می‌شود که گویا عملا دولت این حمایت نصفه و نیمه خود را هم مشروط به وصول مطالباتش کرده است!

مورد عجیب وزیر اقتصاد

مورد عجیب دیگر نامه اخیر خاندوزی به رئیس جمهور است که در آن ضمن برشمردن چالش‌های فروش اموال مازاد دولتی اعلام کرده است «...پس از شناسایی املاک مازاد توسط ادارات کل امور اقتصادی و دارایی استان‌ها، دستگاه‌های اجرایی، در جلسات کارگروه استانی مخالفت کرده و تصمیم گیری توسط کارگروه استانی را با چالش مواجه می‌کنند». به‌طور مشخص محتوای متن نامه حاکی از آن است که مدیران استانی و بالاترین مقام اجرایی دستگاه مربوطه که منظور همان وزرای دولت هستند صراحتا از اجرای قانون تخطی می‌کنند و برای وادار آنها به تبعیت از قانون نیاز است که بخشنامه صادر شود! این در حالی است که وی در اظهارات قبلی خود مولدسازی اموال دولتی را یکی دیگر از برنامه‌های دولت برای جبران کسری بودجه عنوان کرده بود اما گویا تاکنون همانند وزاری پیشین خود توفیقی نداشته است و در صورتی که بتواند با کمک رئیس جمهور سایر همکارانش را راضی کند که اموال دولتی مازاد زیر مجموعه‌های‌شان را معرفی کنند شاید بتواند وارد مرحله بعد یعنی فروش آنها شود. البته خاندوزی پیش از این و زمانی که در مجلس حضور داشت از منتقدان جدی ناکارآمدی دولت در زمینه عدالت مالیاتی و استفاده از ابزارهای مالیاتی برای کنترل تورم و کاهش شکاف طبقاتی بود، اما تا به امروز مشخص نیست که خود او چه برنامه‌ای برای عدالت مالیاتی دارد و آیا قرار است همچنان بخش عمده مالیات را طبقه کارمند و کارگر بدهند و سایرین فرار کنند!؟. موضوع قابل توجه دیگر توئیت اخیر مسعود میرکاظمی رئیس سامان برنامه و بودجه است که اعلام کرده «تا سال ۱۴۰۵ دولت باید ۵۳۵ همت اصل و سود اوراق دولت قبل را پرداخت کند و دولت سیزدهم تاکنون بیشتر از آنکه اوراق بفروشد اوراق تسویه کرده است»! در صورتی که به اعتقاد برخی از کارشناسان و حتی نمایندگان مجلس چنین نیست و اوراق فروشی دولت سیزدهم با سرعتی بیشتر از دولت قبل در حال انجام است. جدای از اینکه کدام دولت بیشتر اوراق فروخته است باید به این سوال پاسخ داد که اوراق فروشی و بازی! عملیات بازار باز که در دولت قبل کلید خورد تا چه حد توانست جلو رشد تورم را بگیرد و اصولا نتیجه مثبت آن چه بود!؟ با بررسی وضعیت اقتصادی کشور مشخص می‌شود که این فرایند که تقریبا از سال ۱۳۹۹ آغاز شد با گذشت یک سال و نیم هیچ توفیقی در کاهش و حتی کنترل تورم نداشته و تنها اثر مخرب آن بر بازار سرمایه قابل مشاهده است. از سویی با بررسی گزارش‌های منتشر شده در مرکز پژوهش‌های مجلس هم می‌توان به روشنی مشاهده کرد که پیش از این، کارآیی این بازار مشروط به زیرساخت‌هایی شده است که تاکنون محقق نشده‌اند و عملا امروز این بازار تبدیل به واسطه‌ای برای برداشت غیرمستقیم از منابع بانک مرکزی شده است. آخرین مورد سوال برانگیز نامه هفته گذشته وزیر اقتصاد به میثم لطیفی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری استخدامی کشور است که از او درخواست کرده حقوق کارکنان وزارت اقتصاد و ادارات وابسته افزایش یابد.. در واکنش به این نامه علی جدی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس معتقد است: اگر این امر اجرایی شود، قطعا افزایش حقوق به باقی وزارتخانه‌ها نیز کشیده خواهد شد و نمی‌توان تبعات آن را کنترل کرد. وی گفت: قطعا واکنش مجلس به این اتفاق محکم خواهد بود، چراکه خود دولت دائم در مجلس اعلام می‌کند کسری بودجه داریم. موضوع قابل توجه مطالبی است که هادی سبحانیان معاون سیاستگذاری وزیر اقتصاد مطرح کرد و مدعی شد: «یکی از مسایل جدی ما افزایش دومینووار حقوق کارمندان دولت است؛ چراکه ما از یکسو حقوق کارمندان را افزایش می‌دهیم و از سوی دیگر، تورم ناشی از این افزایش حقوق به تمام مردم کشور وارد می‌شود». با این توضیحات حداقل نمایندگان در صورتی که پس از رتق و فتق امور مربوط به فضای مجازی، حیوانات و جمعیت فرصتی یافتند باید از خود سوال کنند که دقیقا چه چیزی در نحوه مدیریت کشور تغییر کرده است و تا کی قرار است مردم با وعده‌های دولت سرگرم باشند؟ کاهش ۲۰ درصدی شاخص هموزن، رشد ۸ درصدی قیمت دلار و رشد ۱۰ درصدی قیمت طلا تنها در سه ماهه اول استقرار دولت سیزدهم رخ داده است. تا کی قرار است توپ بی برنامگی به ویژه در حوزه اقتصاد به زمین دولت قبل انداخته شود؟ اگر قرار به اوراق فروشی و بازی با نرخ بهره بین بانکی بود که دولت قبل هم همان را حداقل به نحو بهتری انجام می‌داد! با این همه ژنرال اقتصاد عملکرد کلی تیم اقتصادی دولت تا به اینجا چیزی بیش از عملیات رایج در یک کارگزاری نیست! با این وضعیت و تعارفی که مجلس با دولت و تیم اقتصادی آن دارد بهتر است حداقل در آینده مسئولیت تصمیمات و چشم پوشی‌های خود را به عهده گیرد.

سید رضا اکرمی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

دولت باید اتاق فکر قوی داشته باشد

- دولت تصدی گری را کنار بگذارد و ناظر باشد
- با خوب حرف زدن چیزی درست نمی‌شود
- جای میز اندیشه ورزی در حوزه‌های مختلف خالی است

آرمان ملی: عملکرد ۳ ماهه دولت و بیش از یک سال و نیم مجلس که برخلاف وعده‌هایشان در خصوص بهبود وضعیت معیشتی مردم هیچ تغییری در وضع مردم به‌وجود نیامده بلکه وضعیت بغرنج تر هم شده باعث شده تا امروز جامعه به وعده‌های داده شده از سوی مجلس و دولت بازگردد و تحقق آنها را مطالبه کند. مردم چیز زیادی نمی‌خواهند و فقط حقوق خود و وعده‌هایی که برای تحقق آنها دولت و مجلس جدید را روی کار آورده‌اند مطالبه می‌کنند. حال اینکه این وعده‌ها چه زمانی تحقق خواهد یافت مشخص نیست اما به نظر می‌رسد نباید بر نارضایتی‌های مردم افزود و باید هرچه زودتر در جهت حل مشکلات کوشش کرد. برای بررسی شرایط جامعه، عملکرد دولت و مجلس و تاثیر آن بر وضع مردم «آرمان ملی» با حجت‌الاسلام سید رضا اکرمی عضو جامعه روحانیت مبارز به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

با وجود گذشت یک سال و اندی از روی کار آمدن مجلس و حدود صد روز از روی کار آمدن دولت جامعه هنوز نتیجه عملکردی مثبت و محسوسی در راستای بهبود وضعیت خود از این قوا ندیده؛ تحلیل شما از این موضوع چگونه است؟

تقریبا دو سوم مجلس یازدهم افراد جدید و تازه‌ای هستند و سابقه نمایندگی ندارند. لذا تا زمانی که نمایندگان به نیازها، امکانات، ظرفیت‌ها و وضعیت خارجی اشراف لازم را پیدا نکنند به نظرم زمان زیادی می‌برد تا بتوانند در جهت تحقق وعده‌های داده شده عمل کنند. یعنی اگر یک دوره بگذرد تازه به دست نمایندگان خواهد آمد که الفبای مجلس، دولت، داخل و خارج چگونه است و در این راستا خیلی نباید عجله کنیم که مجلس و نمایندگان در طی یک سال و اندی که در مجلس بودند و چه اقداماتی انجام داده‌اند. نماینده باید تجربه چند دوره نمایندگی مجلس را داشته باشند تا بتوانند اثرگذار ظاهر شود و تصمیمات مهم بگیرد. متاسفانه در دولت گذشته که هم به دلیل کرونا و شرایطی که دولت دوازدهم به جهت قرنطینه برای خودش درست کرده بود با مجلس یک رابطه گرم و گیرایی وجود نداشت آن ارتباط صمیمی و جدی وجود به وجود نیامد. اما اکنون مجلس پس از مدت‌ها با دولت رابطه صمیمی دارد و امیدواریم که بیشتر بتوانند به مسائل دولت وقوف پیدا کنند و در جریان مسائل داخل و خارج قرار گیرند. نکته مهم دیگر اینکه طی ۴۳ سال پیروزی انقلاب فهمیدیم که دولت نمی‌تواند یک کاسب و بازرگان قوی و نیرومند باشد. دولت باید ناظر، حامی و هدایت کننده باشد و تصدی گری را عمدتا بر عهده خود مردم بگذارد. چنانکه مردم تولید، توزیع و نظارت را عهده‌دار شوند و دولت هم آنها را کمک کرده و بالای سرشان بایستد. مگر در مسائل امنیتی، دفاعی و اطلاعاتی که وظیفه دولت است که نظارت و حمایت کند، البته این کار مشکلی است و در این ۴۳ سال متاسفانه ما نتوانستیم آن‌طور که باید و شاید بخش خصوصی را به بازی بگیریم و بخش تعاونی را حمایت کنیم. گفتیم بخش تعاونی ۲۵ درصد اما به ۵ درصد هم نرسید. گفتیم دولت باید سبک شود اما هنوز ۸۰ درصد اقتصاد کشور دست دولت است. این مشکل تا حل نشود بالای ۴۰۰ شرکت دولتی که داریم همه با زیان مواجه‌اند و با حقوق‌های نجومی بالا هستند. ما هنوز قصه خودرو را آنطور که باید و شاید حل نکردیم و با اینکه خودرو با قیمت بسیار کلان و بی کیفیت تحویل داده می‌شود تازه باز هم می‌گویند ما زیان می‌کنیم. البته یکی از علل این مساله انباشت نیروی اضافی است که کارآمدی چندان ندارند. هم کالا کم کیفیت است و هم هزینه آن بسیار سنگین تمام می‌شود. به نظرم جای ۳ مقوله خالی است. نخست؛ میز اندیشه است که رهبری نیز نسبت به آن اهتمام دارد. ما باید در دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و بازرگانی و تجارت میز اندیشه داشته باشیم و هر کسی متناسب وجدان و تجربه‌ای که دارد بگوید گیر کار کجاست؟ چرا پیش نمی‌رویم و تمام ظرفیت‌هایی که داریم مشکلاتمان افزون می‌شود و کاهش پیدا نمی‌کند؟ دیگر اینکه به تصمیمات عمل کنیم. همه خوب حرف می‌زنیم اما از قدیم گفته‌اند که به سخنرانی نیست. باید آستین همت را بالا بزنیم. مثلا داستان اموال تملیکی را ببینند که برخی گزارش‌های آن منتشر می‌شود و جزئیاتی که از آن مطرح می‌شود بسیار جای تامل دارد. لذا باید با کار جهادی کار دولت سبک شود. مجلس اگر می‌خواهد که قوی عمل کند باید در راستای سبک شدن دولت اقدام کند تا دولت صرفا به نظارت و هدایت بیفزاید. غیر از اینها همه ما املا و انشای خوبی داریم و حرف‌های خوبی می‌زنیم و خوب هم حرف می‌زنیم اما در مقام عمل مشکل داریم.

علل و عوامل این کوتاهی‌ها را در چه می‌بینید؟

علت این موضع این است که همه ما از بخش خصوصی گرفته تا تعاونی و دولتی همه اهل حرف هستیم. باید حرف را کنار بگذاریم و عمل کنیم. آقای محسن رضایی که به بندر شهید رجایی رفته باید همان‌جا بایستد و با اختیارات تام کالاها را ترخیص کند و مشکل حل شود. اگر نه؛ اینکه باز گزارش به تهران بیاید و در جلسه اختصاصی مطرح شود اینگونه نمی‌شود. باید به افراد مسئولیت دهیم، تفویض اختیار کنیم، از افراد حساب بخواهیم و در نهایت کار را شروع کرده و انجام دهیم.

این مساله چه میزان بر اعتماد عمومی تاثیرگذار است و راه‌حل بازیابی این اعتماد چیست؟

مردم نسبت به آنچه که در جامعه رخ می‌دهد اشراف دارند و شرایط معیشتی خود را هم می‌سنجند و مسلما هر چقدر این عملکردها ضعیف‌تر باشد اعتماد مردم نیز به دستگاه‌ها کاهش خواهد یافت. همه ایران مقتدر، مستقل، آزاد، آباد و توانا می‌خواهیم و راه حل این مساله این است که همه تفکرات و اندیشه‌ها دور یک میز بنشینند و در راستای اعتلای ایران صحبت کنند و پیشنهاد و راهکار دهند. جریانات مختلف سیاسی و حتی برخی مطبوعات و رسانه‌ها به جای تخریب یکدیگر و نیش زدن باید به هم افزایی و هم فکری به فکر پیشرفت کشور باشند. امروز کشور به خودی خود تحریم است و دیگر نباید از داخل نیز شرایط بر کشور و مردم سخت شود. هرچند که تحریم‌ها نیز دو علت دارد. نخست اینکه دشمن نامرد و بدعهد است که قانون و انصاف نمی‌فهمد و تا زمانی که بخواهیم مستقل، آزاد و مقتدر زندگی کنیم و بازار را برای آنها نخواهیم زمان می‌برد و از این رو ما را رها نخواهند کرد. امروز قدرت اقتصادی آمریکا به دلیل این است که به دنیا بدهکاری دارد و آنها را نمی‌پردازد. اگر آمریکا بدهکاری‌های خود را به کشورهای دیگر بدهد دیگر ابرقدرت نخواهد بود. آنها ما را ول نمی‌کنند و ما هم باید روی اقتدار و استقلال خودمان کار کنیم. باید در هر دستگاهی یک اتاق فکر قرار دهیم و به مردم بگوییم راهکار بدهند که چه کنیم. باید یک تابلو قرار داده شود که هرچه در داخل می‌توان تولید کرد از سنگ پا گرفته تا پاروی برف و چوب بستنی از خارج وارد نکنیم و اینهمه واردات نداشته باشیم. ما باید در داخل از ظرفیت‌ها استفاده کنیم. البته نه اینکه همه تقصیرها متوجه دولت، مجلس و دیگر نهادها باشد بلکه خود جامعه نیز در برخی موارد مقصر است. مردم باید در مصرف مواد مختلف غذایی، خوراکی و... صرفه جویی داشته باشند. ما سالی ۲۶ تا ۳۶ میلیون تن مواد غذایی دور می‌ریزیم برای آنکه درست و به اندازه مصرف نمی‌کنیم. پس برای اینکه کشور رو به توسعه و پیشرفت حرکت کند جامعه و حاکمیت باید دست در دست هم دهند و با اتحاد و همدلی شرایط را برای رشد و پیشرفت مهیا کنند.

مهدی مطهرنیا در گفت و گو با «آرمان ملی»:

برجام احیا نشود پلن B را اجرا می‌کنند

- قدرت‌های جهانی به برجام به عنوان ابزار مهار ایران نگاه می‌کنند
- دستاوردهای امیر عبداللهیان و باقری با برجام ظریف و عراقچی مقایسه خواهد شد

آرمان ملی - سهیل ثابت: کمتر از ۲۴ ساعت دیگر مذاکرات برای احیای برجام در دور هفتم در وین اتریش برگزار خواهد شد و همه طرف‌ها خود را برای مذاکراتی سخت آماده خواهند کرد. مذاکراتی که از درون آن یا توافق، احیای برجام و رفع تحریم‌های ایران بیرون خواهد آمد یا اینکه با شکست مذاکرات طرفین به فکر رویکرد دیگری که غربی‌ها از آن تحت عنوان پلن B نام می‌برند سوق خواهد داد. حال باید منتظر ماند و دید که مذاکرات چه نتیجه‌ای در بر خواهد داشت. در این راستا برای بررسی تحولات پیش رو برجام و آینده مذاکرات «آرمان ملی» با مهدی مطهرنیا آینده پژوه سیاسی و اجتماعی و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

تحولات پیرامون برجام، احیای این توافق و موضع ایران با دولت جدید روی کار آمده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برجام در نظام بین‌الملل به عنوان یک توافقنامه قابل احیاء ولی در جهت ایجاد فضای رو به جلو در ارتباط با ایران مورد توجه است. به این معنا که برجام دریچه‌ای است که در آن می‌توان ایران را به پای میز مذاکره کشاند و در میز مذاکره در باب برجام ایران را به طرف ایجاد فضایی مناسب در پذیرش مراتب دیگر اقدام برای عادی‌سازی رفتار و کنش ایران کنترل، محدود سازی و به سمت مرکز مغناطیسی قدرت نظام بین الملل کشاند. لذا برجام در دست ایالات متحده آمریکا و قدرت‌های بزرگ جهانی به عنوان ابزار مهار ایران مدنظر است. از سوی دیگر ایران دولت سرکش و از سوی دیگر تجدیدنظر طلب و از جهت دیگر ضد امپریالیسم جهانی خود را معرفی می‌کند. کشوری که علیه تمام نظامات موجود در نظم ناموزون، ناعادلانه و غیرقابل تحمل نظام بین المللی خود را پرچم دار معرفی کرده است. پذیرش برجام توسط ایران تاحدود زیادی برای دولت حاکم بر تهران یعنی پذیرش جبر ناشی از عملکرد قدرت‌های بین‌المللی جهت تنظیم قواعد و تحکیم قوانین خود بر دیگر کشورها از جمله تهران محسوب می‌شود. از این رو در زمانی که برجام هم شکل گرفت و ایران در زمانه‌های گوناگونی که پای میز مذاکره رفته تلاش داشته است که اعلام مواضع کند. تا آنجا که تحریم‌های فلج کننده دوره اوباما ایران را مجبور کرد تا با کدواژه عقب نشینی قهرمانانه زمینه‌های شکل گیری برجام و یک توافقنامه را در سال ۲۰۱۵ حاصل نماید. بعد از ورود ایران به برجام برخوردهایی که با این توافق در بخشی از سپهر سیاسی حاکم بر ایران شد با مفهوم ترکمانچای، خیانت و سازش همراه گشت. گروهی که این معنا را بیشتر برساختند و در حوزه تبلیغات سیاسی و حزبی و جناحی در جهت کسب قدرت از آن استفاده کردند، امروز در تهران صاحب دولتند. نه تنها صاحب قوه مجریه، بلکه بر ارکان متفاوت قوای دیگر نیز تکیه زده‌اند از این جهت در تهران امروز دولت یکدست فرمان می‌راند و این دولت یکدست از منظر کنشگران، فضای سیاسی، نهادهای سیاسی، تفکر سیاسی از همگی اینها به گونه‌ای بهره می‌برد که دارای عیار بالایی از طرف نظام حکومتی است. حتی این عیار با دوره محمود احمدی‌نژاد قابل قیاس نیست. در چنین فضا و چشم اندازی اکنون ایران به پای میز مذاکره می‌رود. رفتن ایران به پای میز مذاکره اگرچه توجیه پذیر است، چراکه در دور آخر دولت روحانی نیز در وین مذاکراتی انجام شد اما آن مذاکرات با هسته سخت قدرت برخورد نمود و امروز همان هسته سخت قدرت می‌خواهد به مذاکره برگردد. از این رو حتی نام بردن از برجام سخت می‌شود و تلاش دارد که نام دیگری بر بازگشت به این مذاکرات مانند بازگشت به مذاکرات ۲۰۱۵ گذاشته شود، اما آنچه که در صحنه عمل می‌بینیم تنگ‌تر شدن حلقه محاصره و اثرگذاری بیشتر تحریم‌های حداکثری در دوران بایدن بر تهران است.

نوع رویکرد آمریکا به مساله تحریم‌ها و توافق احتمالی را چگونه تحلیل می‌کنید؟

بایدن توانسته اجماع بیشتری به وجود آورد و امروز دوباره بر اساس پیش‌بینی‌هایی که در قبل انجام داده بودم می‌بینیم که اروپایی‌ها جلوتر از آمریکایی‌ها بر ضد تهران حرکت می‌کنند. آنها سمت و سویی را برگزیدند که بتوانند در چارچوب این سمت و سو جریان را به جهتی ببرند که بتوانند فشار بر ایران را زیادتر کنند. فقدان همکاری نظام بین‌الملل با ایران و محاصره منطقه‌ای تهران کامل‌تر شده است. امروز جدای از مسائل گذشته میزان اورانیوم غنی شده ۵ درصد، ۲۰ درصد و بالاتر از ۶۰ درصد ایران مطرح است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام عدم همکاری ایران را مجددا مطرح و زمینه را برای برگزاری نشست شورای حکام علیه ایران فراهم کرده است. آمریکایی‌ها تلاش کرده‌اند که افکار عمومی را به این جهت سوق دهند که آمریکا همه فعالیت‌های خود را به انجام رسانده است که تهران پای میز مذاکره بازگردد و با تمام وجود خواهان آن بوده است که مذاکرات مثبت پیش رود. اکنون اگر ایران پای میز مذاکره حاضر شود و برجام را نپذیرد افکار عمومی را در جهت اعمال فشار بیشتر و رفتن به موقعیت پلن B آماده ساخته است. اگر ایران بپذیرد به برجام آنگونه که هست بازگردد عقب نشینی آشکاری بعد از رفتن به پای میز مذاکره از خود نشان داده است و این هر دو به میزانی در برگیرنده این معنا خواهد بود که دولت حاکم در مبارزه‌ای که از منظر ایدئولوژیک علیه آمریکا و جریان سلطه جهانی برساخته کمی به عقب نشسته است و این می‌تواند برای ایران از هر دو جهت دارای پیامدهای معناداری باشد.

با توجه به اینکه یک روز تا مذاکرات احیای برجام در دور هفتم فاصله داریم چه رویکردی در خصوص توافق میان ایران و سایر طرف‌ها و تاثیر آن بر منطقه دارید؟

مذاکرات وین طعم تلخی را به همراه دارد. طعمی که از یک طرف رفتن پای میز مذاکره را برای دولت سخت می‌کند و تلخ‌تر آن زمانی است که همین دولت که هرگونه مذاکره با گروه ۴+۱ یا تروئیکای اروپا را نشان دهنده نوعی سازش و عقب نشینی از مواضع انقلابی می‌دانسته اکنون مجبور است که نه با محمدجواد ظریف بلکه با امیر عبداللهیان و نه با عراقچی که با باقری کنی بار دیگر به مذاکره برود و دستاوردهایی که این بار باقری کنی و امیر عبداللهیان به دست می‌آورند با برجامی مقایسه خواهد شد که در مجلس توسط مخالفان آن به صورت سمبلیک به آتش کشیده شده است. لذا این کار را بسیار مشکل می‌کند. این در حالی است که غرب نیز این را فهمیده است. ائتلاف عربی- عبری در منطقه به‌وجود آمده و در حال گسترش به منطقه قسطنطنیه و ترکیه است و لبه‌های آن به مصر می‌رسد و از آن طرف آذربایجان، طالبان و پاکستان را در بر می‌گیرد و بدین ترتیب محاصره منطقه‌ای تهران را کامل می‌کند. از این سو آمریکا با موضع گیری مکنزی شخص سوم قدرت نظامی در ایالات متحده آمریکا برای اجرای حرکت نظامی بر علیه ایران هشدار می‌دهد و اینها همگی نشان دهنده وضعیت مبهم در باب مذاکرات است. به‌گونه‌ای که ایران چه بپذیرد و چه نپذیرد به سمتی برود که خسرانی را برای ایران به همراه داشته باشد. رویکرد آمریکایی‌ها بر آن است که ایرانی که گفته نه جنگ و نه مذاکره را اکنون به مذاکره باز می‌گرداند و اگر مذاکره آنگونه که می‌خواهد به انجام نرسد و ایران تعهداتی در این زمینه را نپذیرد به راحتی آن را به سمت جنگ سوق دهد. فلذا باید بگوییم که منطق موجود منطق بسیار سختی است.

یادداشت

آب مایه حیات است

آذر منصوری

قائم مقام حزب اتحاد ملت

به رسمیت شناختن حق اعتراض از جمله حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی است. چه بسا در شرایط ایده آل برای اکثریت جامعه ایران، گروهی که ممکن است در اقلیت محض هم باشند، نسبت به آنچه مطلوب اکثریت است، ناراضی باشند، به رسمیت شناخته شدن حق اعتراض مسالمت آمیز اولین گام برای پیشگیری از رفتارهای خشونت باری است که هم برای اعتراض کننده خسارت بار است و هم برای نهادی که ممکن است عملکردش دلیل این اعتراض باشد. در ایران امروز که از انواع شکاف‌ها و گسست‌های غیرقابل انکار رنج می برد، به رسمیت شناختن حق اعتراض مسالمت آمیز حداقل واکنش عقلانی در برابر این شکاف‌هاست. نارضایتی‌ها در سطوح مختلف منجر به واکنش اعتراضی از طرف گروه‌ها و مناطق مختلف کشور شده است و می‌توان نشانه‌های آشکار آن را از اعتراض معلمان و کارگران بیکار شده تا مردمی که از بی‌آبی در اصفهان و شهرهای دیگر به تنگ آمده‌اند، دید. در پاسخ به این اعتراض‌ها ناشیانه‌ترین اقدام از طرف مسئولان پاک کردن صورت مسأله و دادن آدرس غلط، مشابه آنچه در برخی رفتارها که پس از اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ و سقوط هواپیمای اوکراینی مشاهده شد، باشد. اما نتیجه این نوع مواجهه به حل بحران‌ها کمکی نخواهد کرد. نه فقط اصفهان بلکه بسیاری از مناطق دیگر ایران، این روزها از بحران بی‌آبی رنج می‌برد و مردم به تنگ آمده آن ممکن است دست به اعتراض بزنند. همه کارشناسان صادق و دلسوز ایران می‌دانند که این بحران زاییده فقدان پذیرش و اجرای الزامات توسعه به‌ویژه توسعه پایدار در ایران است و برای حل آن در کنار اقدامات مسکن گونه، باید ریل مدیریت و سیاستگذاری‌ها به این سمت اصلاح شود و تنزل دادن آن به دعواهای استانی و... از نوع همان رویکردهای غیر کارشناسی و پاک کردن صورت مسأله و دادن آدرس غلط است. عدم توجه به الزامات توسعه پایدار در کشوری که در طول تاریخ آن، آب ابزار سلطه و یا در مقابل عامل درگیری‌ها و در نهایت چه بسا اضمحلال حکومت‌ها بوده است را می‌توان به عنوان دلیل اصلی سوء مدیریت آب در کشور برشمرد و اگر توجهی به این الزامات نشود، بر این نوع بحران و بحران‌هایی از این دست پایانی مترتب نخواهد بود. این صدای اعتراض را باید با گوش جان شنید و برای آن هم در کوتاه مدت و هم بلندمدت چاره اندیشی کرد. بدون آنکه رنج این مردم مایه درگیری‌های جناحی و اسبابی برای برد یا باخت جریان‌های سیاسی شود. امنیتی کردن آن غلط‌ترین آدرسی است که می‌توان در واکنش داشت. حداقل توصیه و نگاه واقع بینانه‌ای که می‌توان به این اعتراضات داشت این است که فضایی فراهم شود تا شهروندان معترض بدون ترس و لکنت زبان صدای اعتراض خود را به گوش مسئولان برسانند.

نکته

مهدی ذاکریان:

ایران چیزی برای پنهان کردن ندارد

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل با اشاره به مذاکرات ایران و آژانس و درخواست‌های آژانس برای همکاری بیشتر ایران اظهار داشت: وقتی مسئول تیم مذاکره کننده ایران می‌گوید مذاکرات هسته‌ای بر مبنای قرارداد ۲۰۱۵ است، بنابراین در موضوع مذاکرات با آژانس هم همان مبنا قرار می‌گیرد و درخواست‌های آژانس و همکاری‌ها هم باید بر همین اساس باشد. مهدی ذاکریان با بیان اینکه ایران باید در رویه‌های خودش در این مدتی که گذشته یعنی در فاصله روی کار آمدن دولت جدید تا کنون، تجدیدنظر می‌کرد، گفت: ایران تا چندی پیش طلبکار کشورهای امضا کننده برجام بوده ولی الان به یک بدهکار تبدیل شده است و این هم ناشی از سخنان بی‌مبنای برخی در داخل است که گفتند باید از برجام خارج شویم و توافق را قبول نداریم. این استاد دانشگاه تصریح کرد: برخی موضع گیری‌های داخلی و تاخیر در ادامه مذاکرات برای بازگشت آمریکا به برجام به جایی رسید که در جامعه جهانی اعلام شد که ایران از تعهدات خودش طفره می‌رود، درحالی که ایران از ۲۰۲۰ آرام آرام تعهداتش را کاهش داد آن هم با اطلاع به طرفین برجام و به منظور ترغیب سایر اعضا که آمریکا را تحت فشار قرار دهند که به توافق برگردد. متاسفانه وقتی بایدن به قدرت رسید در این موقع ایران به جای فشار به اروپا، صحبت از عدم پایبندی به برجام و خروج از آن کرد و به جای اینکه فشارها متوجه بایدن شود، متوجه ایران شد. وی بیان کرد: ایران از امتیازات برجام بهره‌ای نبرد در حالی که تعهدات هسته‌ای خود را اجرا کرد. اکنون ایران باید برای لغو تحریم‌ها وارد مذاکره شود تا از امتیازات آن منتفع شود. ذاکریان خاطرنشان کرد: دلیلی برای عدم همکاری با آژانس نداریم چون همکاری ها بر اساس پادمان و در نهایت در چارچوب توافق برجام یا توافق ۲۰۱۵ است. ایران چیزی برای پنهان کردن نداشته و ندارد. وی تاکید کد: اگر قرارداد ۲۰۱۵ به تایید ۱+۵ و ایران رسید ایران می‌داند چه تعهداتی را در برجام دارد و در قالب همان باید همگی طرف‌ها متعهد باشند. نباید این گونه باشد که تعهدات صرفا توسط ایران اجرا شود و ایران متضرر باشد.

دیدگاه

از تراکم مشکلات کشور کم کنیم

ادامه از صفحه یک / در بعد اقتصادی و سیاسی تغییر مثبت پیدا کند و مردم آن را احساس کنند از خود صبر و مدارا و همراهی نشان خواهند داد ولی اگر همچنان همه چیز در شعارها خلاصه شود شرایط سختی در پیش خواهیم داشت. چنانچه مشکلات عمیق کنونی یک شبه حل شدنی نیستند احترام و تواضع در مقابل مردم که زمان نمی خواهد. آغاز آهنگ تشنج‌زدایی در روابط خارجی پیام نافذ و پراثر و امیدآفرین و سریعی در داخل و خارج منتشر می‌سازد و طمع بیگانگان برای استفاده از شرایط کنونی را به حداقل می‌رساند. برای نمونه مذاکره با عربستان سعودی بسیار هوشمندانه و حتی قابل ستایش است اگر این ابتکار جداپیگیری شود و ابعاد عملی بیابد و با هر کشور دیگری که با ما زاویه دارد مورد آزمون قرار گیرد فصلی تازه از طراوت و رونق و امید را در داخل و روابط خارجی به‌وجود خواهد آورد و امکان سرمایه گذاری‌های بزرگ خصوصا در زمینه آب را فراهم خواهد ساخت.